



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۵

صفحه ۱۳۲ تا ۱۶۴

تبیین نقش اخبار جعلی در جنگ شناختی؛ راهکارهای کشف و مقابله

حسن محمدی منفرد^۱

چکیده

از تهدیدهای مهم و رو به گسترش در عصر ارتباطات، به اجماع متخصصان این حوزه، تولید و انتشار خبرهای جعلی است. دولت‌ها، گروه‌های معارض، سازمان‌های اطلاعاتی و افراد سودجو از این ابزار برای تحریف واقعیت، تحریک افکار عمومی، تضعیف اعتماد اجتماعی و ایجاد بی‌ثباتی استفاده می‌کنند. این پدیده، ابعاد مختلفی از امنیت ملی کشورها، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده و به یک ابزار مؤثر در جنگ‌های نوین به‌ویژه جنگ شناختی تبدیل شده است. در این پژوهش با هدف بررسی کارکرد اخبار جعلی در جنگ شناختی، تلاش شده است تا با تمرکز بر فضای مجازی، نقش فناوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در کشف، شناسایی و مقابله با انتشار این اخبار بررسی شود. پژوهش با روش تحلیل مضمون و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به شناسایی روش‌های ماشینی و انسانی در مقابله با اخبار جعلی پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که مقابله مؤثر با اخبار جعلی نیازمند به‌کارگیری هم‌زمان ابزارهای فناورانه، زیرساخت‌های قانونی، ارتقای سواد رسانه‌ای و سیاست‌گذاری هماهنگ است. در پایان، پیشنهادهایی برای بهبود راهکارهای مقابله با این تهدید در قالب یک بسته جامع مطرح شده است.

واژگان کلیدی: اخبار جعلی، جنگ شناختی، هوش مصنوعی، فضای مجازی، سواد رسانه‌ای، یادگیری ماشین.

۱. استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی، ایران، تهران (نویسنده مسئول) h.mohammadi@sndu.ac.ir



Explaining the Role of Fake News in Cognitive Warfare: Detection and Countering Solutions

Hasan Mohammadi Monfared¹

Abstract

Producing and disseminating fake news is one of the important and developing threats in the communication era, according to the consensus of the experts in this field. Governments, opposing groups, intelligence agencies and profiteering individuals use this tool to falsify truth, provoke the public opinion, weakening social trust and building instability. This phenomenon affects different dimensions of the national security of countries, especially the Islamic Republic of Iran and has turned to an effective tool in the modern warfare, particularly in cognitive warfare. In this research, considering investigating the functions of fake news in cognitive warfare, attempts have been made to review the detection, identification and countering the dissemination of such news through concentrating on the cyberspace and technologies such as artificial intelligence, machine learning. This research has addressed the detection of machine and human methods to counter fake news using content analysis methods and utilizing library and citational resources.

Findings show that effective countering the fake news requires simultaneous use of technological tools, legal infrastructures, optimizing media knowledge and coordinated policy-making. In the end, suggestions have been made to improve countering solutions against this kind of threat in the form of a comprehensive package.

Key words: fake news, cognitive warfare, artificial intelligence (AI), cyberspace, media knowledge, machine learning

1. Assistant Professor, Supreme National Defense University (Writer-in-Charge),
h.mohammadi@sndu.ac.ir



۱. مقدمه

اخبار جعلی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای اطلاعاتی در عصر دیجیتال شناخته می‌شود. با گسترش دسترسی به اینترنت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، انتشار اطلاعات نادرست، عمدتاً یا سهواً، افزایش چشم‌گیری یافته است (Lazer et al., 2018). بررسی مفهومی و نظری این پدیده کمک می‌کند تا بتوان آن را به‌درستی درک و تحلیل کرد و راهکارهای مقابله‌ای مؤثرتری برای آن ارائه داد. بررسی مطالعات پیشین نشان داده‌اند که وقتی اخبار جعلی به‌عنوان شایعات برخط در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، پیامدهای آن تشدید می‌شود (پال و همکاران، ۲۰۲۰). یک دلیل مهم این است که آنچه قبلاً دهان‌به‌دهان منتشر می‌شد اکنون می‌تواند در مدت‌زمان کوتاهی با کلیک‌های ساده منتشر شود (چوآ و بانرجی، ۲۰۱۸). بنابراین، چگونگی شناسایی و تکذیب اخبار جعلی در رسانه‌های اجتماعی به موضوع مهمی تبدیل شده که به اندازه کافی به آن توجه نشده است.

از طرفی، اخبار جعلی چالش تنظیم‌گری پیچیده‌ای را در شبکه اطلاعاتی برخطی که به‌سرعت در حال گسترش است، ایجاد کرده‌اند. اطلاعات نادرست به‌راحتی توسط بازیگران دارای اغراض خاص تولید، توسط پلتفرم‌های مبتنی بر انگیزه مالی منتشر، و توسط کاربران مشتاق به تأیید باورهای پیشین، بازنشر می‌شوند. اصطلاح «اخبار جعلی» پس از انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا به‌شدت مورد توجه قرار گرفت، اما آنچه در پس این اصطلاح نهفته است، پدیده‌ای عمیق‌تر و پیچیده‌تر به نام جنگ‌شناختی است؛ جنگی که ذهن و ادراک انسان را هدف قرار داده و با استفاده از داده‌های جعلی، حقیقت را تحریف می‌کند.

اخبار جعلی اغلب در ترکیب با اطلاعات درست ظاهر می‌شوند و همین امر شناسایی و تکذیب آن‌ها را دشوار می‌سازد. آن‌ها با اهدافی چون تغییر نگرش عمومی، ایجاد ترس، گمراه کردن مخاطب یا تخریب اعتماد به نهادها و منابع رسمی تولید می‌شوند. گسترش فضای مجازی و دسترسی سریع و ارزان به تولید محتوا، به این پدیده ابعاد گسترده‌تری داده است.

هدف اصلی این مقاله، بررسی کارکرد اخبار جعلی در جنگ‌شناختی است؛ اینکه چگونه این نوع از اطلاعات نادرست می‌توانند به ابزاری برای عملیات روانی، تحریک افکار عمومی و تضعیف امنیت ملی تبدیل شوند. همچنین به این مسئله پرداخته می‌شود که چگونه فناوری‌هایی چون هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، در دو حوزه «شناسایی» و «مقابله با انتشار» اخبار جعلی می‌توانند به کار گرفته شوند.

پژوهش حاضر بر تلاقی سه حوزه مفهومی اخبار جعلی، جنگ‌شناختی و راهبردهای کشف و مقابله در حوزه امنیت ملی استوار است؛ لذا؛ با توجه به خلأ مطالعاتی در این حوزه، با تمرکز بر



مطالعات داخلی و بین‌المللی، این مقاله در پی آن است تا با تبیین روش‌های فناورانه و انسانی شناسایی اخبار جعلی، جایگاه این اخبار را در منطق جنگ‌شناختی مشخص سازد و راهکارهایی برای مواجهه علمی و عملی با این تهدید نوظهور ارائه دهد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

مفهوم اخبار جعلی

اخبار جعلی، توسط محققان و متخصصان از دیدگاه‌های مختلف تعریف شده است. این تعاریف بسته به دیدگاه‌های مختلف، از جمله جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای، متفاوت است. به‌طور کلی، اخبار جعلی به اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده‌ای اطلاق می‌شود که به‌طور عمدی با هدف فریب مخاطبان منتشر می‌شود. این اطلاعات ممکن است شامل حقایق تحریف‌شده یا داستان‌های ساختگی باشد که با هدف خاصی مانند تأثیرگذاری بر افکار عمومی، تخریب اعتبار افراد یا نهادها، یا ایجاد تفرقه اجتماعی منتشر می‌شود. بررسی مبانی نظری این پدیده از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که این بررسی‌ها به درک بهتر ماهیت اخبار جعلی و شناسایی روش‌های مؤثر برای مقابله با آن کمک می‌کند. از این منظر؛ اخبار جعلی به اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده‌ای اطلاق می‌شود که به‌طور عمدانه و با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی، تخریب افراد یا نهادها، یا ایجاد تفرقه اجتماعی منتشر می‌شوند (McGonagle, 201)؛ (Buckingham, 2017)؛ (Rios, 2017)؛ (Allcott & Gentzkow, 2017). این اخبار می‌توانند شامل اطلاعات ساختگی، تحریف‌شده یا جعلی باشند و اغلب در قالب‌هایی جذاب و احساسی ارائه می‌شوند تا بتوانند مخاطب را سریع‌تر جذب کنند. اساساً، اخبار جعلی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای اطلاعاتی در عصر دیجیتال شناخته می‌شود. با گسترش دسترسی به اینترنت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، انتشار اطلاعات نادرست، عمده‌تر یا سهواً، افزایش چشم‌گیری یافته است (Lazer et.al, 2018).

نظریه‌های مورد استفاده در تحلیل اخبار جعلی

مبانی نظری مختلف، به ما این امکان را می‌دهند که نحوه انتشار، پذیرش و تأثیرگذاری اخبار جعلی بر مخاطبان را از منظرهای مختلف تحلیل کنیم. بر این اساس در ادامه به برخی از نظریه‌های مهم در این خصوص پرداخته شده است.



الف) نظریه پردازش اطلاعات

نظریه پردازش اطلاعات یکی از نظریات مهم در روان‌شناسی شناختی است که به چگونگی دریافت، پردازش، ذخیره و بازیابی اطلاعات توسط ذهن انسان‌ها می‌پردازد. این نظریه بر این باور است که ذهن انسان مانند یک رایانه عمل می‌کند که اطلاعات را از محیط دریافت می‌کند، آن‌ها را پردازش می‌کند و سپس ذخیره می‌کند تا در زمان نیاز بازیابی و استفاده شوند. این نظریه، پایه‌ای برای درک چگونگی کارکرد شناختی انسان‌ها فراهم می‌کند و به ما کمک می‌کند تا فرآیندهای ذهنی مرتبط با یادگیری، تصمیم‌گیری و حل مسئله را بهتر درک کنیم. اخبار جعلی، به‌ویژه زمانی که به‌صورت ساده و احساسی ارائه می‌شوند، سریع‌تر در حافظه کوتاه‌مدت ثبت شده و در صورت تکرار به حافظه بلندمدت منتقل می‌شوند (Sweller, 1988) اثر تکرار، باعث می‌شود حتی اطلاعات نادرست هم باورپذیر شوند.

ب) نظریه تأیید باور

نظریه تأیید باور یا تعصب تأیید^۱ یکی از مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی شناختی است که به طور گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است. این نظریه بیان می‌کند که، افراد به طور ناخودآگاه به دنبال شواهدی می‌گردند که باورهای فعلی آن‌ها را تقویت کند و درعین حال، اطلاعاتی را که این باورها را به چالش می‌کشد، نادیده می‌گیرند یا کمتر معتبر می‌دانند.

تأیید باور یک پدیده شناختی است که در آن افراد تمایل دارند اطلاعاتی را که با باورهای قبلی‌شان همخوانی دارد، به طور نامتناسب انتخاب کنند و به آن بیشتر توجه نشان دهند. بنابراین اگر خبری جعلی در راستای دیدگاه‌های قبلی فرد باشد، احتمال پذیرش و بازنشر آن بیشتر می‌شود. این نظریه به‌ویژه در تحلیل انتشار شایعات در شبکه‌های اجتماعی کاربرد دارد (Steiglechner et al., 2024). تأیید باور می‌تواند منجر به قطبی‌شدن اجتماعی شود، به‌طوری‌که افراد در گروه‌های اجتماعی با دیدگاه‌های مشابه قرار می‌گیرند و اطلاعاتی که با باورهای آن‌ها همخوانی دارد، به طور مکرر تقویت می‌شود.

پ) نظریه گسترش اطلاعات نادرست

نظریه گسترش اطلاعات نادرست^۲ به بررسی چگونگی انتشار اطلاعات نادرست، از جمله اخبار

1. Confirmation Bias

2. Diffusion of Misinformation Theory



جعلی، در میان جمعیت‌های اجتماعی مختلف می‌پردازد. این نظریه از مفاهیم گسترده‌تر انتشار نوآوری‌ها^۱ الهام گرفته است، اما به طور خاص بر انتشار اطلاعات نادرست تمرکز دارد. این نظریه به طور خاص به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا و چگونه اخبار جعلی در فضای برخط گسترش می‌یابند و به چه عواملی بستگی دارند.

این نظریه به نحوه پخش و تکثیر سریع اطلاعات نادرست در فضای رسانه‌ای توجه دارد. به واسطه الگوریتم‌های سکوه‌های اجتماعی، اطلاعات تحریک‌کننده و افراطی، از جمله اخبار جعلی، بیشتر دیده می‌شوند و گسترش می‌یابند.

ت) نظریه یادگیری اجتماعی

طبق این نظریه، کاربران از رفتارهای دیگران، به‌ویژه افراد تأثیرگذار، تقلید می‌کنند. اگر کاربران ببینند که دیگران خبر خاصی را به اشتراک می‌گذارند، خود نیز تمایل بیشتری به باز نشر آن خواهند داشت، حتی اگر جعلی باشد.

این نظریه بر تعامل سه‌جانبه میان عوامل شناختی، محیطی و رفتاری در فرایند یادگیری تأکید دارد. طبق این نظریه، یادگیری از طریق مشاهده، تقلید از الگوهای اجتماعی و تعاملات اجتماعی انجام می‌شود. این فرایند که یادگیری مشاهده‌ای^۲ یا یادگیری غیرمستقیم^۳ نامیده می‌شود، شامل مکانیزم‌های شناختی پیچیده‌ای است که فرد در آن تنها به طور منفعلانه تقلید نمی‌کند، بلکه نتایج رفتار الگو را ارزیابی کرده و نتایج مشابهی را برای خود پیش‌بینی می‌کند^۴ (Esti, Rahayuningsih, Muh. Hanif, 2024).

فناوری‌های نوین در تشخیص و مقابله با اخبار جعلی

الف) هوش مصنوعی و یادگیری ماشین

هوش مصنوعی (AI) شامل انواع فناوری‌هایی است که به ماشین‌ها این امکان را می‌دهد تا کارهایی را انجام دهند که معمولاً نیاز به هوش انسانی دارند. هدف مرکزی هوش مصنوعی، توسعه سیستم‌هایی است که بتوانند مستقلانه احساس، استدلال، یادگیری و عمل کنند. تکامل این

1. Diffusion of Innovations
2. Observational Learning
3. Vicarious Learning
4. <https://jer.or.id/index.php/jer/article/view/1305/690>



حوزه با پیشرفت‌های قابل توجهی در یادگیری ماشین و به‌ویژه یادگیری عمیق، که ادغام AI را در برنامه‌های مختلف تسهیل کرده است، همراه بوده است. توسعه هوش مصنوعی تغییر محوری در نحوه پردازش و تفسیر داده‌های پیچیده توسط ماشین‌ها ایجاد می‌کند. سیستم‌های هوش مصنوعی با توانایی مدیریت عدم قطعیت، تطبیق با اطلاعات جدید و بهبود عملکرد خود بر اساس یادگیری تجربی مشخص می‌شوند (Russell & Norvig, 2021, p. 34). این ویژگی تطبیق‌پذیر پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری را در بخش‌های مختلف تحول بخشیده است.

یادگیری ماشین (ML) به عنوان یک شاخه شناخته شده از هوش مصنوعی، بر این تمرکز دارد که به ماشین‌ها این امکان را بدهد تا از داده‌ها بدون نیاز به برنامه‌نویسی مستقیم یاد بگیرند. الگوریتم‌های ML برای شناسایی الگوها و روابط درون داده‌ها طراحی شده‌اند و به این ترتیب پیش‌بینی‌ها با تصمیمات را تسهیل می‌کنند. الگوریتم‌های یادگیری ماشین، مانند جنگل تصادفی، شبکه عصبی، و تقویت گرادیان، برای تحلیل زبان، سبک نگارش و ویژگی‌های محتوایی اخبار به کار گرفته می‌شوند. این فناوری‌ها می‌توانند دقت بالایی در شناسایی اخبار جعلی به دست آورند، به‌ویژه زمانی که داده‌های کافی برای آموزش داشته باشند.

هوش مصنوعی شامل مجموعه‌ای متنوع از فناوری‌های تخصصی است که هر یک دارای قابلیت‌ها و کاربردهای متمایز می‌باشند. فناوری‌های کلیدی مانند پردازش زبان طبیعی (NLP)، بینایی کامپیوتری (CV) و رباتیک به سرعت در حال پیشرفت هستند و پتانسیل تحولی قابل توجهی برای جنبه‌های مختلف امنیت دارند. تمایز میان این فناوری‌های هوش مصنوعی، پیچیدگی عملکردهای شناختی انسان را که توسط ماشین‌ها بازتاب می‌یابد، نشان می‌دهد و نیاز به معماری‌های تخصصی برای مدیریت مؤثر وظایف شناختی مختلف را ضروری می‌سازد (Tegmark, 2023, 45).

ب) پردازش زبان طبیعی (NLP)

NLP به‌طور خاص بر امکان درک، تفسیر و تولید زبان انسانی توسط ماشین‌ها تمرکز دارد. با پردازش مقادیر زیادی از داده‌های متنی و گفتاری، NLP بینش‌ها و معانی ارزشمندی استخراج می‌کند که می‌تواند به‌طور قابل توجهی آگاهی موقعیتی را در زمینه‌های امنیتی تقویت کند. کاربردهای NLP شامل تحلیل احساسات، ترجمه ماشین و عملکرد چت‌بات‌ها و دستیاران مجازی است. ظرفیت سیستم‌های مدرن NLP برای شناسایی الگوهای ظریف در ارتباطات



می تواند منجر به شناسایی زودهنگام تهدیدات نوظهور شود که این امر به ویژه در موقعیت های امنیتی چندزبانه حائز اهمیت است (Halevy et al., 2023, 72).

اساساً، پردازش زبان طبیعی، امکان تحلیل خودکار متن ها را فراهم می کند. این روش با بررسی ساختار جمله، کلمات کلیدی، سبک نگارش و حتی احساسات متن، توانایی تمایز میان خبر واقعی و جعلی را به وجود می آورد.

پ) فناوری زنجیره بلوکی

زنجیره بلوکی^۱ به عنوان ابزار نوظهور، شفافیت و قابلیت ردگیری اطلاعات را فراهم می کند. از این فناوری می توان برای ثبت منبع تولید خبر، اعتبارسنجی آن، و جلوگیری از جعل استفاده کرد. به طور کلی، کشورها از ابزارهای پیشرفته مانند هوش مصنوعی، تحلیل گراف های اجتماعی، و الگوریتم های ردیابی خبر برای مقابله با جنگ های شناختی استفاده می کنند. ارتش ایالات متحده، چین و روسیه در این زمینه تجربه های جدی دارند.

۲-۲. پیشینه پژوهش

ترسلی (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «با بررسی عملکرد الگوریتم های یادگیری ماشین مانند جنگل تصادفی و تقویت گرادیان در تشخیص اخبار جعلی، تأکید دارند که این الگوریتم ها دقت بالایی دارند. در مطالعه اخگری و ممتازی (۱۴۰۲)، از شبکه عصبی پیچشی برای تشخیص اخبار فارسی منتشرشده در تلگرام استفاده شد و صحت ۹۰.۴۶ درصدی حاصل شد.

از سوی دیگر، پژوهش های داخلی مانند مقاله شعبانی، گرانمایه پور وهاشمی (۱۴۰۱) بر نیاز به پایگاه های داده برای تحلیل محتوای زبان فارسی تأکید کرده اند. همچنین در مطالعه ساعی و آزادی (۱۴۰۰)، پیشنهاد تشکیل «سرویس خبر جعلی» در رسانه های خبری ایران مطرح شده تا مقابله ای چندمرحله ای با این پدیده صورت گیرد.

پژوهش رحمانیان (۱۴۰۰) نیز از منظر مردم نگاری، نوع شناسی اخبار جعلی در ایران را بررسی کرده و پژوهش فاطیما سانتوس (۲۰۲۳) بر قابلیت های تلفیقی هوش مصنوعی و زنجیره بلوکی برای تأیید اطلاعات تأکید داشته است. همچنین در کنار این موارد، پژوهش هایی دیگری مانند: پژوهش Christodoulou، و همکاران (۲۰۲۳) روی تشخیص خبرهای نادرست در یوتیوب با



استفاده از رونوشت‌های متنی، Ozbay & Alatas (۲۰۲۰) درباره الگوریتم‌های نظارت‌شده در تشخیص اخبار جعلی و Zhou, Wu & Zafarani (۲۰۲۰) درباره تطبیق متن و تصویر نیز جزو پیشینه‌های معتبر به‌شمار می‌روند.

جمع‌بندی پیشینه‌ها، نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های مختلفی در زمینه کشف و شناسایی اخبار جعلی انجام شده، اما تمرکز اکثر آن‌ها بیشتر بر توصیف ویژگی‌های خبر جعلی یا ارائه الگوریتم‌های فنی می‌باشد و جنبه‌های ترکیبی امنیتی-رسانه‌ای، به‌ویژه در بستر جنگ‌شناختی، هنوز به‌طور کامل در تحقیقات داخلی و خارجی واکاوی نشده‌اند. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام پژوهش حاضر را بیشتر آشکار می‌سازد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها و تحلیل، کیفی و مبتنی بر روش تحلیل مضمون است. روش تحلیل مضمون، از روش‌های کیفی رایج در علوم اجتماعی و مطالعات رسانه‌ای است که برای استخراج و طبقه‌بندی مضامین از متون یا داده‌های کیفی به‌کار می‌رود.

۳-۱. جامعه آماری و منابع اطلاعاتی

جامعه مورد مطالعه، متون علمی، گزارش‌های پژوهشی، اسناد رسمی داخلی و بین‌المللی، مقالات علمی-پژوهشی و مطالعات میدانی در حوزه شناسایی اخبار جعلی، جنگ‌شناختی، فناوری‌های هوش مصنوعی و مقابله با انتشار اطلاعات نادرست بوده است. این داده‌ها از منابع زیر استخراج شده‌اند:

- منابع کتابخانه‌ای معتبر فارسی و انگلیسی
- مطالعات انجام‌شده در ایران و سایر کشورها
- گزارش‌های رسمی پژوهشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی
- مقالات چاپ‌شده در مجلات علمی معتبر
- داده‌های تحلیلی منتشرشده توسط دانشگاه‌ها و نهادهای امنیتی



۲-۳. روش تحلیل مضمون

تحلیل مضمون^۱ یکی از روش‌های مهم در تحلیل داده‌های کیفی است که هدف آن شناسایی، بررسی و گزارش الگوهای مفهومی (مضامین) درون داده‌هاست. این روش به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا مفاهیم کلیدی را از دل متون استخراج کند و سپس آن‌ها را به شکل منظم و طبقه‌بندی شده تحلیل نماید. در این پژوهش، مضامین به صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند:

الف) مضامین پایه:

این مضامین کوچک‌ترین واحدهای معنایی هستند که مستقیماً از متن استخراج شده‌اند. هر مضمون پایه بیانگر یک مفهوم ساده یا ویژگی مشخص در موضوع «اخبار جعلی در جنگ شناختی» است.

ب) مضامین سازمان‌دهنده:

این مضامین مجموعه‌ای از مضامین پایه را در بر می‌گیرند و به سطحی عمیق‌تر از تحلیل مفهومی اشاره دارند. برای مثال، مضمون «شناسایی ماشین‌های اخبار جعلی» یک مضمون سازمان‌دهنده است که شامل مضامین پایه‌ای چون «استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین»، «تحلیل سبک نگارش»، و «شناسایی شباهت در محتوا» می‌شود.

پ) مضامین فراگیر:

این دسته از مضامین، دربردارنده دیدگاه کلی پژوهش هستند و جهت‌گیری نظری و تحلیلی پژوهش را نمایندگی می‌کنند. در این مطالعه، مضامین فراگیری همچون «کارکردهای اخبار جعلی در جنگ شناختی»، «تهدید علیه امنیت روانی جامعه»، و «چالش‌های قانونی مقابله با اطلاعات نادرست» استخراج شده‌اند.

۳-۳. مراحل اجرای تحلیل مضمون

مطابق با روش برون و کلارک^۲، مراحل تحلیل مضمون در این پژوهش به ترتیب زیر انجام گرفته است:

1. Thematic Analysis
2. Braun & Clarke



۱. آشنایی کامل با داده‌ها از طریق مطالعه مکرر
۲. کدگذاری اولیه داده‌ها و نشانه‌گذاری بخش‌های مهم
۳. جست‌وجوی مضامین اولیه از دل کدهای مشابه
۴. بازبینی و پالایش مضامین برای تشخیص تکرارها و اشتراکات
۵. نام‌گذاری و تعریف دقیق مضامین
۶. ارائه گزارش نهایی و دسته‌بندی یافته‌ها

۳-۴. اعتبار و روایی

برای اطمینان از اعتبار یافته‌ها، روش بررسی مضاعف داده‌ها^۱ استفاده شده است؛ یعنی داده‌ها از منابع مختلفی بررسی و تحلیل شده‌اند. همچنین سعی شده است تا تعارضات احتمالی در مضامین، با مراجعه مجدد به منابع برطرف شوند. بدین ترتیب، روایی نتایج تحلیل تا حد زیادی تضمین شده است.

۳-۵. ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، به اصول اخلاقی از جمله ارجاع دقیق به منابع، عدم دخل و تصرف در محتوای اصلی متون و رعایت امانت علمی توجه شده است. هیچ بخشی از تحلیل‌ها بدون پشتوانه‌ی داده‌ای یا منبع علمی ارائه نشده است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

الف) کارکردهای اخبار جعلی

۱. تخریب اعتماد عمومی

یکی از بنیادی‌ترین کارکردهای اخبار جعلی در جنگ‌شناختی، تخریب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای اجتماعی، رسانه‌های رسمی، نهادهای حکومتی، علمی و حتی روابط میان‌فردی است. این پدیده فراتر از صرفاً گمراه کردن مخاطب است؛ هدف آن ایجاد وضعیتی از شک، تردید و بی‌اعتمادی گسترده است که در آن مخاطب دیگر به راحتی نتواند مرز بین حقیقت و دروغ را تشخیص دهد.



در گزارش سازمان ناتو تحت عنوان “Cognitive Warfare” (۲۰۲۰)، تأکید شده که اطلاعات غلط و اخبار جعلی به‌طور سیستماتیک برای ایجاد ناهماهنگی شناختی طراحی می‌شوند؛ حالتی که در آن افراد میان روایت‌های متناقض قرار می‌گیرند و در نهایت نسبت به منابع رسمی بی‌اعتماد می‌شوند.

ناتو هشدار می‌دهد که «جنگ شناختی، هدفی بالاتر از کنترل اطلاعات دارد؛ و آن، تسلط بر نحوه تفکر افراد است» (NATO, 2020, 12). اخبار جعلی، «آسیب‌پذیری‌های ذهنی» جوامع را هدف می‌گیرند. گسترش اطلاعات نادرست می‌تواند منجر به تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دموکراتیک شده و ظرفیت گفتمان عقلانی در سطح جامعه را کاهش دهد «اخبار جعلی نه فقط حقیقت را پنهان می‌کنند، بلکه شک و بدبینی را به‌عنوان حالت پایدار ذهنی ترویج می‌دهند» (Mazarr, 2022, 25).

پلتفرم تخصصی Blackbird.AI که بر تحلیل الگوهای جنگ شناختی تمرکز دارد، در گزارش تحلیلی خود با عنوان “Narrative Attacks” اشاره می‌کند که اخبار جعلی با هدف تخریب نهادهای شده اعتماد اجتماعی، به شکلی طراحی می‌شوند که عواطف مخاطب را تحریک کرده و واکنش‌های شدید (مانند ترس یا خشم) ایجاد کنند. این واکنش‌های احساسی منجر به تعلیق قضاوت عقلانی و افزایش پذیرش روایات غیررسمی و نادرست می‌شود (Blackbird.AI, 2023). اخبار جعلی اغلب با تقلید از فرم و لحن رسانه‌های معتبر طراحی می‌شوند تا در نگاه اول قابل اعتماد به‌نظر برسند. این راهکنش، مرز میان واقعیت و جعل را مبهم کرده و توافق اجتماعی بر سر «حقیقت» را متزلزل می‌سازد (Modern Diplomacy, 2025).

اطلاعات غلط، تنها به دروغ‌گویی محدود نمی‌شوند؛ بلکه تلاش می‌کنند «حقیقت» را صرفاً یکی از چند دیدگاه موجود جلوه دهند (Wired, 2024). این راهبرد، اعتماد مخاطب به قضاوت خودش را نیز از بین می‌برد. در نتیجه، اخبار جعلی به‌عنوان سلاحی در جنگ شناختی، با هدف اصلی بی‌ثبات‌سازی بنیان اعتماد عمومی عمل می‌کنند. این فرسایش اعتماد، هم مشارکت اجتماعی و هم امنیت ملی را تهدید می‌کند.

۲. ایجاد آشفتگی شناختی

یکی دیگر از کارکردهای کلیدی اخبار جعلی در جنگ شناختی، ایجاد آشفتگی شناختی یا

1. Cognitive Dissonance



اصطلاحاً «بار اضافی ذهنی»^۱ در مخاطبان است. در این حالت، فرد با حجم وسیعی از اطلاعات متناقض، شایعه، اخبار اغراق‌آمیز و روایت‌های متنوع مواجه می‌شود، که توانایی او را برای پردازش منطقی، تفکیک حقیقت از دروغ و تصمیم‌گیری صحیح به شدت کاهش می‌دهد.

بمباران اطلاعاتی بی‌وقفه باعث می‌شود فیلترهای ذهنی و دفاع‌های شناختی انسان از کار بیفتند. در نتیجه، توان فرد برای غربال‌گری اطلاعات کاهش یافته و ذهن او به‌جای پردازش عمیق، صرفاً سطحی عمل می‌کند (TDHJ.org, 2023). در گزارش ناتو با عنوان «جنگ شناختی» نیز آمده است که دشمنان برای فلج کردن سیستم شناختی افراد، آگاهانه «اطلاعاتی بیش از حد و درهم‌ریخته» را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند. در این وضعیت، افراد دچار نوعی از فلج تحلیلی می‌شوند؛ یعنی نمی‌توانند تصمیم بگیرند چه اطلاعاتی را بپذیرند و کدام را کنار بگذارند (NATO, 2020, 11–13). پلتفرم تخصصی Blackbird.AI در گزارش خود از جنگ شناختی (۲۰۲۳) به مفهوم «هرزآگاهی»^۲ اشاره می‌کند؛ وضعیتی که در آن، ذهن مخاطب با سیلی از داده‌های متناقض، اخبار ساختگی، و روایات جانبدارانه مواجه می‌شود. در نتیجه، مخاطب از تحلیل دست می‌کشد و یا سراغ تفسیرهای احساسی، ساده‌سازی‌های بیش‌از حد، یا تئوری‌های توطئه می‌رود (Blackbird.AI, 2023).

مازر^۳ در کتاب خود، این وضعیت را «تضعیف ظرفیت شناختی جمعی» می‌نامد. او می‌نویسد: «زمانی که جامعه با توده‌ای از اطلاعات غلط مواجه شود، نه تنها اعتماد عمومی از بین می‌رود، بلکه توانایی تحلیل مشترک و رسیدن به تصمیم جمعی نیز مختل می‌شود» (Mazarr, 2022, 28). این آشفتگی شناختی اغلب با استفاده از «محتوای شبه‌واقعی» ایجاد می‌شود؛ یعنی اخباری که ظاهر معقول دارند اما محتوایشان تحریف‌شده، ناقص یا کاملاً دروغ است. مدرن دیپلماسی در تحلیل خود اشاره می‌کند که «اخبار جعلی نه با دروغ صریح، بلکه با پنهان‌سازی بخشی از واقعیت» افکار عمومی را منحرف می‌کنند. این تکنیک باعث می‌شود که افراد حتی در مواجهه با اخبار رسمی هم دچار تردید شوند. همچنین وایرد^۴ در مقاله خود درباره راهبرد روسیه می‌نویسد: «پوتین و دستگاه تبلیغاتی‌اش، نه با بیان یک روایت مشخص، بلکه با خلق بی‌پایان روایت‌های جایگزین، باعث می‌شوند هیچ کس به‌طور قطعی نداند حقیقت چیست» (Wired, 2024). در جمع‌بندی

1. Cognitive Overload
2. infoglut
3. Mazarr
4. Wired



باید گفت، آشفتگی شناختی یکی از راهبردی‌ترین کارکردهای اخبار جعلی در جنگ‌شناختی است. این وضعیت نه تنها مانع تصمیم‌گیری آگاهانه می‌شود، بلکه افراد را به بی‌تفاوتی یا پذیرش کورکورانه سوق می‌دهد؛ وضعیتی که بسیار مطلوب مهاجمان شناختی است.

۳. دوقطبی‌سازی اجتماعی و شکاف‌های سیاسی

یکی از پرکاربردترین اهداف استفاده از اخبار جعلی در جنگ‌شناختی، ایجاد دوقطبی‌های شدید اجتماعی و تشدید اختلافات سیاسی و فرهنگی است. در این راهبرد، هدف اصلی نه اقناع عقلانی مخاطب، بلکه تحریک احساسات او، به‌ویژه خشم، ترس و نفرت است تا انسجام اجتماعی تخریب شود و فضای گفت‌وگوی عقلانی از بین برود.

اخبار جعلی با بهره‌گیری از روایت‌های قطبی و هیجانی طراحی می‌شوند. آن‌ها معمولاً بر سوگیری‌های هویتی (مانند مذهب، قومیت، یا ایدئولوژی) تکیه می‌کنند تا اختلافات موجود را عمیق‌تر کنند. به بیان این گزارش: «هدف اخبار جعلی، تحریک تعارض نیست؛ بلکه ایجاد شکاف دائمی میان گروه‌هاست، به‌گونه‌ای که هیچ نقطه اشتراکی باقی نماند» (Blackbird.AI, 2023). یکی از شیوه‌های موفق روسیه در فضای مجازی، استفاده از اخبار جعلی برای «دشمن‌سازی داخلی» است. افراد جامعه بر اساس دیدگاه‌های سیاسی، به‌شدت نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد و خصمانه می‌شوند. (Wired, 2024) در چنین فضایی، حکومت‌ها برای اعمال سیاست‌گذاری عقلانی با دشواری مواجه می‌شوند، زیرا اجماع عمومی از بین رفته است. تحلیلگران تأکید دارند که اخبار جعلی عمده‌اً به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که کاربران شبکه‌های اجتماعی را در «اتاق‌های پژواک» گرفتار کنند. در این فضاها، افراد فقط روایت‌هایی را می‌بینند و می‌شنوند که با باورهای قبلی‌شان سازگار است. نتیجه این فرایند، شکل‌گیری جوامعی بسته، رادیکال و ناتوان از گفت‌وگو با «دیگری» است (Modern Diplomacy, 2025).

دوقطبی‌سازی به‌عنوان یکی از کارکردهای حیاتی جنگ اطلاعاتی و روانی توصیف شده است. آن‌ها نشان می‌دهند که گروه‌های افراط‌گرا (اعم از دولت‌ها یا بازیگران غیردولتی) به‌راحتی می‌توانند با چند توییت ساختگی، فضای جامعه را به سمت نفرت و خشونت سوق دهند، بدون اینکه حتی واقعیت جدیدی ساخته باشند (Singer & Brooking, 2018:180). دوقطبی‌سازی حاصل «جهت‌دهی هدفمند اطلاعات غلط» است که مخاطب را به دو سر طیف می‌برد؛ یا به افراط در باور، یا به انکار مطلق. او معتقد است این راهبرد به شکلی طراحی شده که جامعه نتواند در مورد



هیچ موضوعی به توافق برسد (Mazarr, 2022, 30). در نتیجه، اخبار جعلی در جنگ‌شناختی به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شوند که همبستگی اجتماعی را تضعیف کرده، مردم را در برابر یکدیگر قرار دهند و کشور هدف را از درون دچار فروپاشی روانی و سیاسی کنند. شکاف‌های ایجادشده از طریق این راهبرد، می‌توانند از شکاف رسانه‌ای آغاز شده و به تنش‌های خیابانی یا حتی خشونت فیزیکی ختم شوند.

۴. تضعیف قضاوت و سواد رسانه‌ای

یکی از پیچیده‌ترین و پنهان‌ترین کارکردهای اخبار جعلی در جنگ‌شناختی، تضعیف توانایی قضاوت انتقادی و سواد رسانه‌ای افراد است. برخلاف تصور رایج که هدف اخبار جعلی را صرفاً «فریب» می‌داند، در جنگ‌شناختی، هدف نهایی بسیار عمیق‌تر است: ایجاد نسلی از مخاطبان که دیگر قادر به تمیز حقیقت از دروغ نباشند یا اصلاً تلاشی برای آن نکنند.

اخبار جعلی نه فقط به عنوان ابزار گمراه‌کننده، بلکه به عنوان عامل فرسایش قدرت شناختی بلندمدت طراحی می‌شوند. وقتی افراد به‌طور مکرر در معرض اطلاعات غلط قرار می‌گیرند، سیستم ارزشی‌شان دچار فرسایش می‌شود و نوعی «بی‌تفاوتی شناختی» در آن‌ها شکل می‌گیرد (NATO, 2020, 12). این روند باعث «ساده‌سازی بیش‌از حد درک مسائل پیچیده» می‌شود. مخاطب دیگر علاقه‌ای به تحلیل عمیق ندارد و به پاسخ‌های فوری و هیجانی بسنده می‌کند. به بیان او: «اخبار جعلی باعث می‌شوند مردم به جای سؤال کردن، فقط واکنش نشان دهند» (Mazarr, 2022, 30). مخاطب در معرض مداوم اخبار جعلی، به تدریج دچار نوعی تحریف درک از واقعیت می‌شود. به عبارت دیگر، اخبار جعلی تنها اطلاعات نادرست نمی‌دهند، بلکه چارچوب درک واقعیت را بازنویسی می‌کنند (Modern Diplomacy, 2025). اخبار جعلی با استفاده از منطق روایی اقناع، یعنی تکنیک‌هایی مانند ترس‌آفرینی، استناد به چهره‌های جعلی، یا تکرار دروغ‌ها، سواد رسانه‌ای را هدف قرار می‌دهند. ذهن مخاطب به جای آنکه تحلیل کند، صرفاً به الگوهای احساسی پاسخ می‌دهد و این همان چیزی است که جنگ‌شناختی از آن بهره‌برداری می‌کند.

اخبار جعلی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که توانایی مخاطب برای «بازبینی منابع و سنجش صحت اطلاعات» را کاهش دهند. این روند اغلب در نسل جوان‌تر که بخش زیادی از اطلاعات خود را از شبکه‌های اجتماعی می‌گیرد، شدیدتر است (Blackbird.AI, 2023). در همین راستا، وایرد نیز در تحلیل راهبردهای اطلاعاتی روسیه اشاره می‌کند که اخبار جعلی وقتی به‌طور مداوم



در کنار اطلاعات درست پخش شوند، باعث می‌شوند که مخاطب هر دو را برابر بداند و نتواند بین واقعیت و دروغ تفاوت قائل شود. این اتفاق به تدریج نوعی نسبی‌گرایی افراطی را در جامعه تقویت می‌کند (Wired, 2024). تضعیف قضاوت و سواد رسانه‌ای، مهم‌ترین پیامد روانی بلندمدت اخبار جعلی در جنگ‌شناختی است. فردی که نمی‌داند چه چیزی را باور کند یا اصلاً تلاشی برای سنجش صحت محتوا ندارد، بهترین قربانی برای عملیات شناختی است. در این حالت، جامعه‌ای شکل می‌گیرد که به جای مشارکت آگاهانه، صرفاً به پیام‌های فوری، احساسی و جهت‌دار پاسخ می‌دهد و این دقیقاً همان چیزی است که دشمن می‌خواهد.

۵. فرسایش انسجام ملی و هویتی

در چارچوب جنگ‌شناختی، یکی از راهبردی‌ترین کارکردهای اخبار جعلی، فرسایش هویت ملی و انسجام اجتماعی است. برخلاف نبردهای نظامی که هدف آن‌ها تسلط بر زمین است، جنگ‌شناختی به دنبال تسلط بر اذهان و تضعیف مؤلفه‌های بنیادین همبستگی ملی است. در این میان، هویت ملی و روایت‌های مشترک فرهنگی، هدف مستقیم اخبار جعلی قرار می‌گیرند. عملیات شناختی مبتنی بر اخبار جعلی با هدف «بازنویسی حافظه جمعی» انجام می‌شود. به عبارت دیگر، اخبار جعلی نه تنها حقایق را تحریف می‌کنند، بلکه تاریخ، ارزش‌ها و باورهای ملت‌ها را نیز دستخوش تحریف می‌سازند (NATO, 2020, 14). این بازنویسی از طریق تزریق روایت‌های ساختگی یا بازتعریف رویدادهای تاریخی صورت می‌گیرد. از مهم‌ترین اهداف اخبار جعلی، تحریف «روایت‌های هویتی مشترک» است. وقتی اعضای یک ملت، تاریخ، قهرمانان، و ارزش‌های ملی متفاوتی را باور کنند، دیگر نمی‌توان از «ملت» به عنوان یک کل همبسته سخن گفت (Modern Diplomacy, 2025). ناهم‌سویی روایات در سطح ملی، نتیجه مستقیم پمپاژ اخبار جعلی هدفمند است. به‌ویژه در جوامع چندقومیتی یا چندفرهنگی، این اخبار می‌توانند موجب تحریک تعارضات دیرینه و بازتعریف تمایزات هویتی شوند (Mazarr, 2022, 35).

روایت‌های جعلی، نمادهای ملی (پرچم، سرود، زبان رسمی و ...) را هدف قرار می‌دهند تا حس وفاداری ملی را به نفع وفاداری به خرده‌هویت‌ها (قومی، مذهبی، نژادی) کاهش دهند. این راهبرد موجب گسست افقی جامعه و شکل‌گیری فضاهای هویتی متعارض می‌شود (Blackbird.AI, 2023). وایرد در بررسی راهبردهای اطلاعاتی روسیه در اوکراین و آمریکا، نشان می‌دهد که اخبار جعلی چگونه روایت‌های ساختگی درباره‌ی گذشته ملی را به جامعه تزریق می‌کنند و حس تعلق به



کشور را تضعیف می‌نمایند. به‌ویژه در بحران‌های اجتماعی، این روایت‌های جعلی تقویت می‌شوند تا جامعه دیگر خود را «یک ملت واحد» احساس نکند (Wired, 2024).

در این فرایند، اخبار جعلی به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که اعتماد به نهادهای هویت‌ساز از بین برود. نهادهایی مانند: آموزش و پرورش؛ رسانه‌های ملی؛ نخبگان فکری؛ یا حتی مراسم و نمادهای ملی. همگی به‌تدریج در ذهن مخاطب بی‌اعتبار جلوه داده می‌شوند. در نتیجه، جامعه به جای تمرکز بر اشتراکات هویتی، بر تمایزها و اختلافات متمرکز می‌شود. فرسایش انسجام ملی از طریق اخبار جعلی، یکی از پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین اهداف جنگ شناختی است. این روند، ملت‌ها را از درون متلاشی می‌کند بدون آن‌که دشمن یک گلوله شلیک کرده باشد. در واقع، اخبار جعلی با تخریب زیرساخت‌های ذهنی جامعه، آن را برای سلطه‌پذیری، تجزیه‌طلبی یا تسلیم فرهنگی آماده می‌کنند.

۶. ایجاد آشوب شناختی و فرسایش حقیقت

اخبار جعلی در جنگ شناختی فقط برای فریب نیستند؛ بلکه طراحی شده‌اند تا اساساً مفهوم «حقیقت» را بی‌اعتبار کنند. این راهبرد به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شده که در نهایت نه فقط مردم، بلکه حتی نخبگان، سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران هم دچار سردرگمی معرفت‌شناختی^۱ شوند. نتیجه نهایی چیزی است که در ادبیات تخصصی از آن با عنوان «آشوب شناختی» یاد می‌شود. هدف اصلی عملیات شناختی، انتقال یک جامعه از «وضوح شناختی» به «آشوب شناختی» است. به‌عبارتی، مخاطب باید به نقطه‌ای برسد که دیگر تفاوت بین واقعیت و توهم، حقیقت و شایعه، یا تحلیل و هیجان را تشخیص ندهد (NATO, 2020, 12–15). این وضعیت منجر به بی‌اعتمادی مطلق، سردرگمی دائمی و انفعال ذهنی می‌شود. در همین راستا، مازار اصطلاحی کلیدی با عنوان «اطلاعات به‌مثابه سلاح فروپاشی شناختی» مطرح می‌کند. او توضیح می‌دهد که «در فضایی که همه‌چیز ممکن است دروغ باشد، هیچ انگیزه‌ای برای پیگیری حقیقت وجود ندارد.» این فقدان انگیزه برای تمایز حقیقت از خطا، همان چیزی است که دشمن به‌دنبال آن است (Mazarr, 2022, 36–38). انتشار همزمان چندین روایت متناقض، حتی درباره‌ی یک موضوع، موجب می‌شود مخاطب درک مشترک از واقعیت را از دست بدهد. این وضعیت، فرهنگ حقیقت را به فرهنگ تفسیر جایگزین می‌کند، جایی که «هرکس حقیقت خودش را دارد» و دیگر هیچ معیار مشترکی وجود ندارد (Modern Diplomacy, 2025).

1. epistemic confusion



بمباران اطلاعات نادرست و اغراق‌آمیز، ذهن را از تمایز و اولویت‌بندی محروم می‌سازد. یعنی در آشوب‌شناختی، هر خبر به اندازه‌ی خبر دیگر مهم یا بی‌اهمیت جلوه می‌کند. این تساوی‌سازی ساختگی، استراتژی مؤثر اخبار جعلی برای تضعیف قضاوت جمعی است (TDHJ.org, 2023). در گزارش Blackbird.AI نیز از مفهوم «پنهان‌سازی حقیقت از طریق انباشت روایت» استفاده شده است. یعنی نه فقط با دروغ‌گویی، بلکه با ارائه‌ی حجم عظیمی از روایت‌های رقیب، حقیقت گم می‌شود (Blackbird.AI, 2023). استراتژی پوتین در حوزه اطلاعات؛ نه دروغ‌سازی مستقیم، بلکه ایجاد فضایی است که در آن حقیقت فقط یکی از چندین روایت تلقی شود. این راهبرد، ستون فقرات آشوب‌شناختی است (Wired, 2024).

در وضعیت آشوب‌شناختی: (۱) رسانه‌های سنتی دیگر به‌عنوان مرجع مورد اعتماد تلقی نمی‌شوند. (۲) هیچ نهاد یا منبعی توان تولید یا بازسازی حقیقت مشترک را ندارد. (۳) مردم به سمت منابع غیررسمی، گروه‌های محفلی، و شبکه‌های اجتماعی با رویکرد تأیید تعصبات قبلی خود کشیده می‌شوند. در نهایت، جامعه‌ای شکل می‌گیرد که در آن نه تنها حقیقت مخدوش می‌شود، بلکه دیگر کسی تمایلی به کشف حقیقت ندارد. و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که دشمنان در جنگ‌شناختی، آن را پیروزی نهایی تلقی می‌کنند. ایجاد آشوب‌شناختی، والاترین هدف جنگ‌شناختی از طریق اخبار جعلی است. در چنین محیطی، عملیات روانی به آسانی پیروز می‌شود، چون مخاطب دچار خستگی ذهنی، انفعال ادراکی و در نهایت پذیرش بی‌پایان روایت‌های دروغین می‌شود.

۷. تقویت بازیگران غیردولتی و دولت‌های متخاصم

در جنگ‌شناختی، اخبار جعلی تنها یک ابزار برای گمراه‌سازی افکار عمومی نیست؛ بلکه به یک ابزار ژئوپلیتیک مؤثر برای بازیگران غیردولتی (مانند گروه‌های تروریستی، شبه‌نظامیان، یا جنبش‌های افراطی) و نیز ابزار برتری آفرین برای دولت‌های متخاصم تبدیل شده است. اخبار جعلی به آن‌ها اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به قدرت نظامی، حوزه نفوذ و تأثیرگذاری خود را در فضای عمومی و بین‌الذهانی گسترش دهند.

در گزارش ناتو به صراحت آمده است که بازیگران غیردولتی و دولت‌های متخاصم، به‌واسطه اخبار جعلی، می‌توانند به صورت کم‌هزینه ولی بسیار مؤثر بر نظام‌های دموکراتیک اثر گذار باشند. آن‌ها نیازی به داشتن ناوگان یا ارتش ندارند، بلکه با دستکاری روایت‌ها و دروغ‌سازی می‌توانند



سیاست داخلی و افکار عمومی دشمن را منحرف کنند (NATO, 2020, 16–18). «اخبار جعلی، نسبت قدرت را به نفع بازیگران ضعیف‌تر تغییر می‌دهد.» یعنی دولت‌های کوچک‌تر یا غیردموکراتیک، با بهره‌گیری از بی‌ثبات‌سازی شناختی در جوامع آزاد، می‌توانند اهداف راهبردی خود را محقق کنند (Mazarr, 2022, 43). گروه‌های افراطی مانند داعش، با تولید حجم زیادی از محتوای جعلی، نه تنها توانسته‌اند جوانان را جذب کنند، بلکه به بازتعریف هویت و مشروعیت دینی و سیاسی پرداخته‌اند. این یک «جهاد شناختی» با استفاده از اخبار جعلی است که دیگر به بمب و اسلحه نیاز ندارد (Modern Diplomacy, 2025).

در فضای بی‌اعتمادی رسانه‌ای، بازیگران غیردولتی می‌توانند با جعل روایت‌های متقاعدکننده، خود را به عنوان منبع معتبر اطلاعات معرفی کرده و اعتماد مخاطبان را از نهادهای رسمی بربایند. این قدرت نرم، از طریق اخبار جعلی تقویت می‌شود (Blackbird.AI, 2023). بازیگران متخاصم خارجی مانند چین و روسیه، با بهره‌گیری از ساختارهای خبری فراملی، اطلاعات جعلی را در جوامع هدف تزریق کرده و از این طریق «خطوط گسل اجتماعی» را تحریک می‌کنند تا بی‌ثباتی شناختی شکل گیرد. این فرایند به آن‌ها اجازه می‌دهد بدون تقابل نظامی، مزیت ژئوپلیتیک به دست آورند (TDHJ.org, 2023). وایرد در تحلیل راهبردهای اطلاعاتی پوتین می‌نویسد که روسیه نه تنها به انتشار اخبار جعلی برای سردرگمی داخلی می‌پردازد، بلکه از آن برای ایجاد نیابتی در فضای رسانه‌ای غرب استفاده می‌کند. این یعنی دولت متخاصم می‌تواند از درون جامعه دشمن، به واسطه شبکه‌های جعلی و صفحات ساختگی، نبرد شناختی را هدایت کند (Wired, 2024).

قدرت اخبار جعلی در این است که: (۱) اجازه می‌دهد بازیگران کوچک، اما با انگیزه ایدئولوژیک بالا، به بازیگران اصلی جنگ شناختی تبدیل شوند. (۲) دولت‌های استبدادی می‌توانند از فضای باز دموکراتیک سوءاستفاده کرده و رسانه‌های آزاد را علیه خودشان به کار بگیرند. (۳) روایت‌های جعلی را می‌توان به سرعت جهانی کرد، در حالی که مقابله با آن‌ها مستلزم زمان، منابع و شفاف‌سازی تدریجی است. اخبار جعلی در جنگ شناختی، نه تنها ابزار سردرگمی عمومی هستند، بلکه سلاحی راهبردی برای بازیگران غیردولتی و دولت‌های متخاصم محسوب می‌شوند. آن‌ها با استفاده از این ابزار می‌توانند مرزها را بی‌معنا کنند، در افکار عمومی دشمن نفوذ کنند و فضای اطلاعاتی را به سود خود بازطراحی کنند. این یک نوع استعمار شناختی است که قدرت را بدون جنگ، منتقل می‌سازد.

۸. تغییر ادراک دشمن و مدیریت برداشت عمومی

در جنگ شناختی، اخبار جعلی نقش مهمی در بازتعریف دشمن، تحریف نيات او، و تغییر تصویر ذهنی مخاطبان از کنش‌ها و سیاست‌های یک بازیگر ایفا می‌کنند. این تغییر ادراک می‌تواند به شکل‌های گوناگون انجام شود: اهریمنی‌سازی دشمنان واقعی، قهرمان‌سازی دشمنان ساختگی، یا تطهیر اقدامات غیراخلاقی یک بازیگر متخاصم از طریق روایت‌سازی جعلی.

تغییر ادراک از طریق اخبار جعلی، یکی از اساسی‌ترین ابزارهای «بازمهندسی میدان نبرد ذهنی» است. دشمنان مدرن، نه از طریق بمباران فیزیکی، بلکه از طریق بمباران روایتی^۱ تلاش می‌کنند دشمن را آن‌گونه که خود می‌خواهند، به مخاطب نشان دهند (NATO, 2020, 18–21). «با جعل روایت‌های ظاهراً واقعی درباره دشمن، ذهن مخاطب دچار انحراف شناختی شده و دشمن واقعی با دشمن ساختگی جابجا می‌شود» (Mazarr, 2022, 47). این جابجایی منجر به تحلیل نادرست، تصمیمات غلط سیاسی و امنیتی، و سردرگمی راهبردی می‌شود. یکی از اصلی‌ترین راهکنش‌های عملیات شناختی روسیه، پخش اخبار جعلی درباره اقدامات خیالی ناتو است. به عنوان مثال، نشر اخبار جعلی در مورد دخالت نظامی ناتو در کشورهای شرقی، موجب ایجاد هراس و نفرت عمومی از ناتو در برخی کشورهای هدف شده است (Modern Diplomacy, 2025).

Blackbird.AI نیز تحلیل دقیقی از استفاده بازیگران غیردولتی از این کارکرد ارائه داده است. در این تحلیل، گروه‌های افراطی با انتشار اخبار جعلی درباره «ظلم دشمنان به دین یا هویت قومی»، تصویری اهریمنی از آن‌ها ساخته و از این طریق مشروعیت اقدامات خشونت‌بار خود را برای مخاطبان هدف توجیه می‌کنند (Blackbird.AI, 2023). در همین راستا چین، با ایجاد شبکه‌ای از سایت‌های خبری جعلی در جنوب شرق آسیا، اقدام به تطهیر سیاست‌های خود در قبال اقلیت‌های قومی کرده و ایالات متحده را به عنوان دشمن اصلی منطقه معرفی می‌کند. این جابجایی ادراکی از طریق جعل اخبار، نتیجه‌ای بنیادین بر درک عمومی و سیاست خارجی این کشورها دارد (TDHJ.org, 2023). استراتژی اصلی پوتین، این است که هر بحران یا حمله را به نوعی به «غرب متجاوز» نسبت دهد، حتی اگر مدارک مستقیمی وجود نداشته باشد. این راهکنش از طریق تکرار اخبار جعلی و تحریف تاریخ، به تدریج در ذهن مخاطب نهادینه می‌شود (Wired, 2024).

کارکرد تغییر ادراک دشمن، به دلایل زیر برای جنگ شناختی حیاتی است:

1. narrative bombardment





- باعث می‌شود مخاطب دشمن واقعی را شناسد و انرژی خود را صرف مبارزه با دشمنی خیالی کند.

- مشروعیت سیاسی و اخلاقی دشمنان ساختگی را افزایش می‌دهد.

- حساسیت جامعه را نسبت به اقدامات خطرناک دشمن واقعی کاهش می‌دهد.

- سیاست‌گذاران را در فضای مه‌آلود اطلاعاتی و تحلیلی قرار می‌دهد.

اخبار جعلی در جنگ‌شناختی، به‌مثابه ابزاری برای بازتعریف چهره دشمن و دستکاری برداشت‌های عمومی عمل می‌کنند. این کارکرد می‌تواند موازنه‌ی ادراکی میدان جنگ را دگرگون سازد، موجب تغییر سیاست‌های کلان امنیتی شود و حتی مسیر جنگ‌ها و صلح‌ها را تعیین کند. قدرت این اخبار نه در میزان واقعی بودن آن‌ها، بلکه در تأثیری است که بر تصویر ذهنی مخاطب می‌گذارند.

۹. تضعیف انسجام اجتماعی و تحریک تنش‌های داخلی

یکی از عمیق‌ترین و خطرناک‌ترین کارکردهای اخبار جعلی در بستر جنگ‌شناختی، شکستن پیوندهای اجتماعی و تحریک گسل‌های درونی جوامع است. در این کارکرد، هدف دشمن شناختی این نیست که مخاطب را صرفاً گمراه کند، بلکه می‌خواهد اعضای یک جامعه را در مقابل یکدیگر قرار دهد، شکاف‌های فرهنگی، قومیتی، مذهبی و طبقاتی را عمیق‌تر کند و از دل آن، بی‌ثباتی اجتماعی، افراط‌گرایی و خشونت‌های داخلی پدید آورد.

«اخبار جعلی ابزار اصلی در قطبی‌سازی سیاسی و اجتماعی هستند که منجر به ضعف انسجام ملی و از هم‌گسیختگی اعتماد اجتماعی می‌شود» (NATO, 2020, 24). هدف اصلی، تضعیف بنیان‌های اجتماعی است تا جامعه هدف نتواند در برابر تهدیدهای بیرونی به‌درستی واکنش نشان دهد. در محیطی که اخبار جعلی به‌صورت هدفمند بر مسائل حساس داخلی تمرکز می‌کنند—مانند نژاد، دین، مهاجرت یا تبعیض—جامعه دچار انفجار درونی خواهد شد» (Mazarr, 2022, 50-52). این کارکرد، با سوءاستفاده از تفاوت‌های واقعی، اغلب از طریق برجسته‌سازی ناهماهنگی‌های جزئی، زمینه‌ساز جدایی و بی‌اعتمادی میان گروه‌های اجتماعی می‌شود. بسیاری از کمپین‌های اطلاعات نادرست در اروپا و آمریکا، حول موضوعات پرتنش مانند واکسیناسیون، مهاجرت، حقوق اقلیت‌ها و فساد اقتصادی می‌چرخند، به‌گونه‌ای که مخاطبان را به دو جبهه‌ی متخاصم بدل می‌سازند. این تفرقه‌ها، نتیجه‌ی مستقیم راهبردهای شناختی دشمن هستند (Modern Diplomacy, 2025).



جنگ‌های شناختی با استفاده از الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، به گونه‌ای اخبار جعلی را پخش می‌کنند که موجب قطب‌بندی افکار عمومی^۱ می‌شود. این قطب‌بندی، دشمن را قادر می‌سازد تا بدون شلیک حتی یک گلوله، جامعه هدف را از درون تخریب کند (Blackbird.AI, 2023). در همین راستا، یکی از اهداف اصلی اخبار جعلی، «ایجاد بی‌اعتمادی میان اقشار مختلف جامعه نسبت به یکدیگر» است؛ برای مثال، ایجاد شک در میان مردم نسبت به اقلیت‌های قومی یا دینی، یا تحریک حس ناراضیتی طبقاتی، از راهکنش‌های رایج جنگ‌شناختی محسوب می‌شود (TDHJ, 2023). پلتفرم‌های جعلی و شبکه‌های بات‌ها با پخش اخبار نادرست درباره مسائل نژادی و جنسی در آمریکا، موجب بروز اعتراضات خشونت‌آمیز و افزایش نفرت‌های قومی شده‌اند. این اقدامات، آگاهانه و برنامه‌ریزی شده برای تجزیه‌ی روانی جامعه صورت می‌گیرد (Wired, 2024). این کارکرد از چند منظر قابل تأمل است:

- با تضعیف انسجام اجتماعی، مشروعیت حکومت کاهش یافته و زمینه برای شورش و افراط‌گرایی فراهم می‌شود.
- گروه‌های اجتماعی به‌جای اتحاد در برابر تهدید بیرونی، انرژی خود را صرف نزاع داخلی می‌کنند.
- نهادهای میانجی‌گر مانند رسانه، دانشگاه یا نهادهای مدنی، دیگر قدرت کاهش تنش را ندارند، زیرا خودشان هدف حمله‌ی اخبار جعلی شده‌اند.
- جامعه‌ای که انسجام خود را از دست بدهد، مستعد تجزیه شناختی و فروپاشی سیاسی خواهد بود.

اخبار جعلی در جنگ‌شناختی، صرفاً ابزار تحریف نیستند؛ آن‌ها ابزار تفرقه‌افکنی عمیق و تجزیه‌ی روانی-اجتماعی جوامع هستند. از طریق تحریک گسل‌های داخلی و افزایش شکاف‌های اجتماعی، دشمن می‌تواند انسجام ملی را از بین ببرد و زمینه‌ساز فروپاشی داخلی بدون تهاجم نظامی شود. این یک تهدید خاموش اما مؤثر است که امنیت ملی و همبستگی اجتماعی را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد.

۱۰. ایجاد تردید در حقیقت و منطق

در قلب جنگ‌شناختی، هدفی کلان و ریشه‌ای نهفته است: بی‌اعتبارسازی حقیقت به‌عنوان یک

1. polarization



مفهوم عینی. اخبار جعلی در این چارچوب عمل می‌کنند تا مرز میان حقیقت و دروغ، واقعیت و نظر شخصی، منطق و احساس را مخدوش کنند. نتیجه‌ی این راهبرد، ایجاد فضایی است که در آن هیچ‌کس به هیچ‌چیز مطمئن نیست و این دقیقاً همان چیزی است که طراحان جنگ‌شناختی دنبال می‌کنند.

یکی از راهبردهای اساسی جنگ‌شناختی، «ایجاد بحران معرفت‌شناختی» است؛ جایی که مخاطب نه تنها به صحت یک خبر شک دارد، بلکه به امکان دستیابی به حقیقت اساساً بی‌اعتماد می‌شود (NATO, 2020, 14) در این حالت، کارکرد اخبار جعلی، تضعیف توان ذهنی انسان برای تشخیص درست از نادرست است.

«اخبار جعلی از طریق آمیختن عناصر واقعی با دروغ، باعث می‌شوند که مخاطب احساس کند هیچ خبری به‌طور کامل قابل اعتماد نیست. این شک، پایه‌ی عقلانیت عمومی را از بین می‌برد و فضا را برای قطب‌بندی، توطئه‌اندیشی و بی‌عملی آماده می‌کند» (Mazarr, 2022, 50–53). اخبار جعلی با تکیه بر راهکنش‌هایی مانند «تولید انبوه اطلاعات متناقض»، ذهن مخاطب را در معرض خستگی اطلاعاتی^۱ قرار می‌دهند، به‌طوری‌که فرد دیگر تمایلی به بررسی صحت و سقم اخبار ندارد و در نتیجه در مقابل دروغ‌های راهبردی، تسلیم می‌شود (Modern Diplomacy, 2025). گروه‌های هدف به‌واسطه اخبار جعلی، به این باور می‌رسند که «حقیقتی واحد وجود ندارد» و در نتیجه، از مشارکت در فرآیندهای عقلانی مانند رای‌گیری یا گفتمان انتقادی کنار می‌کشند (Blackbird.AI, 2023). استراتژی روایت متضاد^۲، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تخریب حقیقت است. در این روش، با انتشار نسخه‌های متعدد و متناقض از یک روایت، فضای شناختی جامعه به‌گونه‌ای اشباع می‌شود که دیگر حتی حقیقت روشن نیز مبهم جلوه می‌کند (TDHJ.org, 2023). در همین راستا، پوتین در فضای اطلاعاتی، عنوان می‌کند: «هدف اصلی، نه صرفاً فریب مخاطب، بلکه باوراندن این گزاره است که حقیقت، تنها یک نظر شخصی است». این تکنیک باعث می‌شود هیچ نهاد، رسانه یا شخصی نتواند ادعای حقیقت‌گویی کند (Wired, 2024).

ایجاد تردید در حقیقت و منطق، موجب می‌شود: مخاطب دچار فلج تحلیلی شود و از فعالیت انتقادی دست بکشد؛ فضای عمومی دچار بی‌ثباتی معرفتی شود؛ نقش رسانه‌های حرفه‌ای و نهادهای دانشی بی‌اثر شود؛ جامعه مستعد پذیرش روایت‌های توطئه‌آمیز شود؛ انسجام فکری

1. information fatigue

2. counter-narrative flooding



و اجتماعی به شدت کاهش یابد. کارکرد «ایجاد تردید در حقیقت و منطق» در اخبار جعلی، به منزله‌ی تخریب شالوده‌های عقلانیت و دانش عمومی است. در این میدان، دشمن به جای شلیک گلوله، به ذهن‌ها شلیک می‌کند—و این کار را با ابزارهایی انجام می‌دهد که «شبیه حقیقت اما مخرب‌تر از دروغ‌اند». هنگامی که جامعه‌ای به‌طور جمعی باور کند که حقیقت وجود ندارد، آن جامعه از نظر شناختی سقوط کرده است.

جدول ۱. کارکردهای ده‌گانه اخبار جعلی در جنگ شناختی

ردیف	کارکرد اخبار جعلی در جنگ شناختی	هدف	نتیجه
۱	تضعیف اعتماد عمومی به نهادها و منابع رسمی	بی‌اعتبارسازی دولت، رسانه‌ها، علم، دین و روابط انسانی	گسترش شک، سردرگمی، نافرمانی
۲	تغییر درک عمومی از واقعیت	تخریف واقعیت‌ها به نفع منافع مهاجم	پذیرش روایات جعلی به‌عنوان واقعیت جایگزین
۳	ایجاد قطبی‌سازی و شکاف اجتماعی	قرار دادن اقشار جامعه در برابر هم	افزایش نفرت، تعارض و بی‌ثباتی داخلی
۴	مهندسی رفتار جمعی	هدایت کنش‌های عمومی (اعتراض، تحریم، نافرمانی)	بی‌ثبات‌سازی روانی و اجتماعی جامعه
۵	تضعیف تصمیم‌گیری عقلانی	کاهش قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری مردم	شکل‌گیری تصمیمات احساسی، عجزلانه یا منفعل
۶	تضعیف هویت ملی و فرهنگی	ایجاد بحران هویت در نسل‌های جدید	قطع پیوند با فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های ملی
۷	تقویت نفوذ دشمن از طریق روایت‌سازی	القای تصویر مثبت از مهاجم و منفی از مدافع	پذیرش نرم سلطه شناختی و تغییر وفاداری‌ها
۸	فلج‌سازی واکنش دفاعی دولت و جامعه	کاهش قدرت اقناع، بسیج و مقاومت	بی‌اثر شدن اقدامات مقابله‌ای امنیتی و اجتماعی
۹	تضعیف انسجام اجتماعی و تحریک تنش‌های داخلی	تشدید گسل‌های قومی، مذهبی، جنسیتی، اقتصادی	بروز خشونت داخلی و افول همبستگی ملی
۱۰	ایجاد تردید در حقیقت و منطق	تخریب بنیان‌های معرفتی و عقلانی جامعه	بی‌اعتمادی کامل به حقیقت و رشد تفکر توطئه‌محور



ب) فناوری‌های کشف و شناسایی اخبار جعلی در فضای مجازی

با رشد تصاعدی داده‌ها، یکی از نخستین حوزه‌هایی که مورد توجه قرار گرفته، توسعه الگوریتم‌هایی برای شناسایی خودکار اخبار جعلی است. این الگوریتم‌ها به کمک یادگیری ماشین، تحلیل زبان طبیعی، شبکه‌های عصبی مصنوعی و مدل‌های آماری پیشرفته طراحی شده‌اند (Zhou et al., 2020).

به‌عنوان نمونه، در پژوهش اخگری و ممتازی (۱۴۰۲)، از شبکه عصبی پیچشی (CNN) برای شناسایی اخبار جعلی منتشر شده در تلگرام فارسی استفاده شد. این الگوریتم با دقت ۹۰.۴۶ درصد توانست تمایز بین خبر واقعی و جعلی را تشخیص دهد. این نتایج تأیید می‌کند که فناوری‌های نوین حتی در زبان فارسی نیز قابلیت مؤثری در تفکیک اخبار دارند.

همچنین الگوریتم جنگل تصادفی^۱ در مطالعه ترسلی (۱۴۰۳) با تحلیل اخبار جعلی موفق به ثبت دقت ۹۸.۳٪ در صحت طبقه‌بندی شد. این الگوریتم با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از درختان تصمیم، به‌طور هم‌زمان عوامل زبانی، منبع انتشار، و ساختار جمله را ارزیابی می‌کند (Allcott & Gentzkow, 2017).

در سطح بین‌المللی، استفاده از مدل‌هایی نظیر EchoFakeD، که بر تحلیل بازخورد و مشارکت مخاطبان تمرکز دارد، موفقیت بالایی در شناسایی محتوای جعلی در توییتر و یوتیوب داشته است (Christodoulou et al., 2023). این مدل‌ها با رصد «ری‌اکشن‌ها» و الگوهای بازنشر توسط کاربران، الگوهای غیرطبیعی را کشف می‌کنند.

همچنین ترکیب فناوری بلاک‌چین با یادگیری ماشین در مدل Santos (۲۰۲۳) امکان اعتبارسنجی منبع تولید خبر، ثبت تغییرات و شفافیت تاریخی آن را فراهم می‌سازد. در این مدل، هر خبر به‌صورت یک بلوک غیرقابل تغییر ثبت شده و مخاطب می‌تواند زنجیره تغییرات و منبع اولیه را ردیابی کند.

پ) الگوهای گسترش و تأثیرگذاری اخبار جعلی

اخبار جعلی بر اساس اصول شناختی ذهن مخاطب و از طریق بسترهای عاطفی و احساسی منتشر می‌شوند. بسیاری از آن‌ها با عناوین اغراق‌آمیز، تصاویر احساسی و واژگان شدیداً جهت‌دار طراحی می‌شوند. این قالب‌ها در واقع پاسخ مستقیمی به نقاط ضعف ذهن انسان در پردازش سریع اطلاعات‌اند.

1. Random Forest



نظریه پردازش شناختی نشان می‌دهد که مغز انسان، برای صرفه‌جویی در انرژی، اطلاعات ساده‌تر و احساسی‌تر را زودتر ذخیره می‌کند. بنابراین اخباری که با احساسات شدیدتر و ساختار زبانی ساده‌تر ارائه می‌شوند، در ذهن مخاطب باقی می‌مانند.

پژوهش‌ها همچنین تأکید می‌کنند که سرعت انتشار اخبار جعلی بسیار بیشتر از اخبار واقعی است. در مطالعه‌ای در (Science Vosoughi et al., 2018)، نشان داده شد که اخبار جعلی در تویتر شش برابر سریع‌تر از اخبار واقعی گسترش می‌یابند. این تفاوت در گسترش، به دلیل جذابیت احساسی، عناصر تعجب و استفاده از کلیدواژه‌های احساسی است.

در پژوهش رحمانیان (۱۴۰۰)، گونه‌شناسی اخبار جعلی در ایران به پنج دسته تقسیم شد: (۱) تحریف رویداد، (۲) نسبت دادن سخنان نادرست، (۳) ارائه تصویر جعلی، (۴) ترکیب اطلاعات غلط و درست، و (۵) القائات روانی. هر کدام از این گونه‌ها در یک لایه از عملیات شناختی تأثیر می‌گذارند و طراحی آن‌ها متناسب با روان مخاطب ایرانی صورت می‌گیرد.

ت) بسترهای شناختی و روانی تأثیرپذیری مخاطب از اخبار جعلی

اخبار جعلی صرفاً اطلاعات نادرست نیستند، بلکه ابزارهایی هستند که با طراحی خاص، به لایه‌های شناختی ذهن مخاطب نفوذ می‌کنند. نظریه تأیید باور^۱ توضیح می‌دهد که افراد تمایل دارند اخباری را بپذیرند که با باورها و پیش‌فرض‌های قبلی‌شان هماهنگ باشد. این مسئله باعث می‌شود حتی پس از راستی‌آزمایی و تکذیب یک خبر، مخاطب همچنان به آن باور داشته باشد (Lewandowsky, Ecker & Cook, 2017).

پژوهش Santhanasamy (۲۰۲۰) نشان داد که بیش از ۶۰٪ از کاربرانی که با اخبار جعلی روبه‌رو می‌شوند، آن را بدون بررسی صحت آن بازنشر می‌کنند، زیرا خبر با نگرش آن‌ها هماهنگ است. به‌ویژه در موقعیت‌های بحرانی مانند انتخابات، اعتراضات اجتماعی یا بحران‌های بهداشتی، کاربران مستعدتر به پذیرش اخبار هم‌راستا با اضطراب یا امید شخصی خود هستند.

همچنین تأثیر اخبار جعلی در فضای شناختی به‌گونه‌ای است که به‌مرور زمان «بی‌اعتمادی عمومی» را نسبت به هر گونه خبر (حتی خبر صحیح) گسترش می‌دهد. این پدیده که به آن

1. confirmation bias



«فرسایش شناختی»^۱ می‌گویند، در جنگ شناختی به‌عنوان یک سلاح تدریجی بسیار مؤثر عمل می‌کند (Buckingham, 2017).

ث) شیوه‌های مقابله با اخبار جعلی (فناورانه، انسانی و ترکیبی)

۱) مقابله فناورانه

استفاده از فیلترهای خودکار، الگوریتم‌های رتبه‌بندی منابع، تحلیل گراف‌های اجتماعی و سامانه‌های راستی‌آزمایی خودکار، بخشی از راهکارهای فناورانه‌اند که در پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. الگوریتم‌هایی که داده‌های متنی، تصویری و رفتاری کاربران را ترکیب می‌کنند، دقت بالاتری دارند. در پروژه‌های DARPA (آمریکا) و MOD (بریتانیا)، از مدل‌های پیش‌بینی انتشاری استفاده شده است که می‌توانند الگوهای گسترش شایعه را در شبکه اجتماعی شناسایی کرده و گره‌های مرکزی آن را هدف قرار دهند (Christodoulou et al., 2023). این رویکرد نه فقط خبر را، بلکه ساختار نفوذ آن را تحلیل می‌کند.

مدل‌هایی مانند EchoFakeD، علاوه بر تحلیل محتوای خبر، شبکه رفتاری باز نشرکنندگان را نیز بررسی می‌کند و الگوهایی از عملیات هماهنگ را کشف می‌کند. Santos (۲۰۲۳) استفاده از بلاک چین را برای تثبیت منبع خبر و جلوگیری از دست‌کاری توصیه می‌کند.

۲) مقابله انسانی

مقابله انسانی، بیشتر بر آموزش سواد رسانه‌ای، تربیت تفکر انتقادی، و ایجاد نهادهای واسط راستی‌آزمایی متمرکز است. پژوهش McDougall (۲۰۲۰) در بریتانیا نشان داد که ادغام آموزش سواد رسانه‌ای در مقاطع راهنمایی و دبیرستان، تأثیر چشمگیری بر کاهش اعتماد به اخبار جعلی داشته است.

در کشورهای اسکاندیناوی، نهادهایی مانند Faktisk و Källkritik آموزش‌های عمومی را در رسانه ملی اجرا می‌کنند تا مخاطب بتواند قبل از باز نشر یک محتوا، آن را از زوایای مختلف بررسی کند (Santhanasamy, 2020).



۳) مدل ترکیبی

کارآمدترین رویکرد، استفاده هم‌زمان از فناوری و آموزش انسانی است. ترکیب سامانه‌های خودکار راستی‌آزمایی با ابزارهای آموزشی می‌تواند علاوه بر شناسایی و حذف خبر جعلی، به تغییر رفتار کاربران در مواجهه با آن منجر شود. همچنین وجود نهادهای نظارتی علمی، غیردولتی و دارای اعتبار عمومی در ایجاد اعتماد رسانه‌ای بسیار مؤثر است.

ج) الزامات قانونی و ملاحظات اخلاقی در شناسایی و مقابله با اخبار جعلی

اخبار جعلی نه تنها چالشی فنی، بلکه مسئله‌ای حقوقی و اخلاقی است. در مواجهه با اخبار جعلی، اگر چارچوب‌های قانونی و اخلاقی رعایت نشوند، ممکن است آزادی بیان، حریم خصوصی یا اعتماد عمومی آسیب ببیند. از این رو، پژوهش حاضر این الزامات را به‌طور جداگانه تحلیل کرده است.

۱) الزامات قانونی

در بسیاری از کشورها، قوانین خاصی برای مقابله با نشر اخبار جعلی تدوین شده‌اند. در آلمان، قانون NetzDG پلتفرم‌های اجتماعی را ملزم کرده است تا اخبار کذب را در مدت ۲۴ ساعت حذف کنند. در سنگاپور، قانون POFMA دولت را مجاز به صدور دستور اصلاح محتوا یا حذف آن می‌کند (Santhanasamy, 2020).

در ایران، پژوهش‌های انجام‌شده از جمله بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲)، بر ضعف قوانین و نبود ضمانت اجرا در مقابله با اخبار جعلی تأکید دارند. در قوانین فعلی، «تشر اکاذیب» تعریف سنتی دارد و شامل پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی نمی‌شود.

شعبانی و همکاران (۱۴۰۱) پیشنهاد می‌دهند که باید مقرراتی جامع، با تعریفی دقیق از «خبر جعلی»، مشخص کردن مسئولیت‌های حقوقی تولیدکننده و بازنشرکننده، و تعیین جایگاه حقوقی نهادهای راستی‌آزمایی طراحی شود.

۲) ملاحظات اخلاقی

از دیدگاه اخلاق رسانه‌ای، مقابله با اخبار جعلی نباید به بهانه‌ای برای سانسور، تحدید آزادی اطلاعات یا سوءاستفاده از قدرت تبدیل شود (McGonagle, 2017). یکی از نگرانی‌های مطرح‌شده در پژوهش Buckingham (۲۰۱۷) این است که دولت‌ها ممکن است مقابله با



اخبار جعلی را به ابزاری برای حذف صدای مخالفان تبدیل کنند. بنابراین، هرگونه مقابله قانونی باید همراه با نظارت عمومی، شفافیت عملکرد نهادهای، و امکان شکایت برای کاربران باشد. در غیر این صورت، اعتماد عمومی به رسانه و حاکمیت اطلاعات تضعیف خواهد شد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اخبار جعلی به عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی، تأثیرات قابل توجهی در حوزه‌های امنیت ملی، افکار عمومی، سیاست، و حتی سلامت روانی جامعه بر جای گذاشته‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر کارکردهای اخبار جعلی در بستر جنگ‌شناختی، نشان داد که این پدیده دیگر صرفاً یک مسئله رسانه‌ای یا فنی نیست، بلکه ابزاری راهبردی در شکل‌دهی به ادراک، احساس و رفتار اجتماعی به حساب می‌آید.

یافته‌های پژوهش نشان داد که:

اخبار جعلی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند یادگیری ماشین، تحلیل زبان طبیعی، و الگوریتم‌های گراف اجتماعی طراحی و منتشر می‌شوند. این خبرها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که ضعف‌های شناختی انسان از جمله تمایل به ساده‌سازی، تکرار، تأیید باور و هیجان‌زدگی را هدف قرار دهند. استفاده از مدل‌هایی مانند شبکه عصبی، جنگل تصادفی، بلاک چین و سامانه‌های هشداردهنده در سطح جهانی نشان داده که فناوری می‌تواند نقش مؤثری در شناسایی و محدودسازی انتشار اخبار جعلی داشته باشد. اما این ابزارها در بستر زبان و فرهنگ فارسی هنوز نیاز به توسعه دارند.

از منظر انسانی، تحلیل محتوایی، راستی‌آزمایی دستی، و تربیت تفکر انتقادی نقش مکملی برای فناوری دارند. همچنین ضعف سواد رسانه‌ای در ایران، یکی از عوامل مهم در آسیب‌پذیری شناختی جامعه در برابر اخبار جعلی است. در بعد قانونی، فقدان مقررات دقیق و نهادهای اجرایی کارآمد باعث شده است مقابله با اخبار جعلی در ایران ساختارمند نباشد. برخلاف کشورهایی مانند آلمان و سنگاپور، در ایران هنوز تعریف مشخص، ضمانت اجرایی روشن و نهاد مشخصی برای این موضوع وجود ندارد.

از منظر اخلاقی، مقابله با اخبار جعلی نباید منجر به تحدید آزادی بیان یا سرکوب اطلاعات شود. تعادل بین «کنترل اطلاعات» و «آزادی اطلاعات» باید در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری رعایت شود.



در نهایت، اخبار جعلی به عنوان ابزار جنگ‌شناختی، نه فقط محتوای رسانه‌ای بلکه ادراک انسان از واقعیت را هدف قرار می‌دهند. این جنگ، جنگ روایت‌ها و چارچوب‌بندی‌های ذهنی است، نه صرفاً جنگ گلوله یا سلاح گرم. بنابراین، مقابله با اخبار جعلی در جنگ‌شناختی باید: چندلایه (ترکیب ابزارهای فناورانه و انسانی)؛ چندسطحی (در سطح آموزش، قانون، زیرساخت و نظارت)؛ و چندنهادی (مشارکت دولت، دانشگاه، رسانه و مردم)؛ باشد تا بتواند اثربخش واقع شود.



فهرست منابع

۱. اخگری، محمدرضا و ممتازی، سعیده (۱۴۰۲). کاربرد هوش مصنوعی در راستی‌آزمایی اخبار: تشخیص اخبار جعلی با استفاده از متن خبر و اطلاعات منابع منتشرکننده خبر. فصلنامه پژوهش‌های رسانه و ارتباطات، دوره ۱ شماره ۱، صص ۲۶۸-۲۴۳.
۲. ترسلی، احمدرضا (۱۴۰۳). کاربرد هوش مصنوعی در تشخیص اخبار جعلی. فصلنامه آماد و فناوری دفاعی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۵.
۳. رحمانیان، عماد (۱۴۰۰). نوع‌شناسی اخبار جعلی شبکه‌های اجتماعی در بافت مصرف ایران: الگوی مفهومی مردم‌نگارانه. فصلنامه مدیریت بازرگانی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۸۴۴-۸۱۴.
۴. ساعی، محمد حسین و آزادی، محمد حسین (۱۴۰۰). راهکارهای مقابله با اخبار جعلی در سازمان‌های خبری ایران. نشریه رسانه، دوره ۳۱، شماره ۲، صص ۷۸-۳۵.
۵. شعبانی، کریم- گرانمایه‌پور، علی وهاشمی، شهناز (۱۴۰۱). راه‌های تشخیص اخبار جعلی در رسانه‌ها از نظر متخصصان و حرفه‌ای‌های ارتباطات. فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، دوره ۱، شماره ۳، صص ۹۵-۱۲۰.
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲). بررسی خلأهای قانونی در حوزه مقابله با اخبار جعلی. گزارش‌های سیاستی، شماره ۳۹۹.
7. Allcott, H., & Gentzkow, M. (2017). Social media and fake news in the 2016 election. *Journal of Economic Perspectives*, 31(2), 211–236.
8. Blackbird.AI. (2024). Cognitive Warfare: Narrative Attacks and Online Influence Operations. Retrieved from <https://www.blackbird.ai>
9. Buckingham, D. (2017). The fake news phenomenon: Rethinking media literacy. *Nordic Journal of Digital Literacy*, 12(1), 21–34.
10. Christodoulou, A., Stylianou, N., & Kafeza, E. (2023). Fake news detection using user comments and video metadata: A study on YouTube misinformation. *Computational Intelligence*, 39(3), 876–892.
11. Graves, L. (2016). *Deciding what's true: The rise of political fact-checking in American journalism*. Columbia University Press.



12. Lewandowsky, S., Ecker, U. K. H., & Cook, J. (2017). Beyond misinformation: Understanding and coping with the “post-truth” era. *Journal of Applied Research in Memory and Cognition*, 6(4), 353–369.
13. Mazarr, M. J. (2022). The Logic of Information Warfare: A Guide to Understanding and Countering Disinformation Campaigns. RAND Corporation. Retrieved from https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA704-3.html
14. McDougall, J. (2020). Media literacy versus fake news: Critical thinking in the information age. *Palgrave Macmillan*.
15. McGonagle, T. (2017). “Fake news”: False fears or real concerns? *Netherlands Quarterly of Human Rights*, 35(4), 203–209.
16. Modern Diplomacy. (2025). The Science of Disinformation. Modern Diplomacy. Retrieved from <https://moderndiplomacy.eu>
17. Moravec, J. (2021). Post-Truth Society and the Cognitive Crisis: A Critical Study. *Journal of Cognitive Security*, 6(1), 45–67.
18. NATO. (2020). Cognitive Warfare. NATO Innovation Hub. Retrieved from <https://www.innovationhub-act.org>
19. Ozbay, F. A., & Alatas, B. (2020). A comprehensive review on fake news detection. *PeerJ Computer Science*, 6, e263.
20. Rid, T. (2020). Active Measures: The Secret History of Disinformation and Political Warfare. Farrar, Straus and Giroux.
21. Ríos, D. (2017). Fake news: The impact of misinformation on democratic processes. *Global Media Journal*, 15(28), 1–9.
22. Santhanamy, R. (2020). Regulating fake news: Comparative analysis of legislation in Germany, Singapore, and Malaysia. *Journal of Law and Internet Regulation*, 12(1), 45–59.
23. Santos, F. (2023). Combating fake news using blockchain and AI: A hybrid model for content validation. *Information Security Journal*, 32(2), 150–164.

24. Singer, P. W., & Brooking, E. T. (2018). *LikeWar: The Weaponization of Social Media*. Houghton Mifflin Harcourt.
25. Sweller, J. (1988). Cognitive load during problem solving: Effects on learning. *Cognitive Science*, 12(2), 257–285.
26. TDHJ.org. (2023). The Anatomy of Disinformation: How Fake News Corrodes Mental Security. Retrieved from <https://tdhj.org/disinformation-anatomy>
27. Vosoughi, S., Roy, D., & Aral, S. (2018). The spread of true and false news online. *Science*, 359(6380), 1146–1151.
28. Wardle, C., & Derakhshan, H. (2017). Information Disorder: Toward an Interdisciplinary Framework for Research and Policy Making. Council of Europe report DGI(2017)09. Retrieved from <https://rm.coe.int>
29. Wired. (2022). How Putin Mastered Online Judo: Information Chaos and Strategic Misdirection. Wired Magazine. Retrieved from <https://www.wired.com/story/putin-online-disinformation>
30. Zhou, X., Wu, J., & Zafarani, R. (2020). A survey of fake news: Fundamental theories, detection methods, and opportunities. *ACM Computing Surveys*, 53(5), 1–40.

